

چالشهای وکالت در دعاوی حقوقی

صالح یمرلی^۱، زهرا وحیدی قلانلو^۲

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه گنبد کاووس، دکترای حقوق خصوصی

^۲ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

صالح یمرلی

salehyamrali@gmail.com

چکیده

وکالت از عقود معینه در قانون مدنی می باشد و اثر آن نیابت دادن و اذن از طرف موکل به وکیل میباشد. وکیل در صورت تخلف از موضوع وکالت مسؤول می باشد. با انعقاد عقد وکالت، وکیل و موکل در برابر یکدیگر حق و تکلیف یافته، دارای روابط حقوقی، وظایف و مسؤولیتهای متقابلی می شوند. وکلای دادگستری تابع کانون وکلا در هر استان و همچنین وکلای تابع مرکز مشاوران حقوقی قوه قضاییه مشمول مقررات ویژه انتظامی هستند. تخلفات وکیل از انجام وظایفش توسط لایحه استقلال کانون وکلا و آیین نامه اجرای آن و نیز قانون وکالت و قانون کیفیت اخذ گواهینامه وکالت تعیین نظامات می گردد و محکوم به مجازات انتظامی باشند که این مجازات مانع از تعقیب مدنی و کیفری او نمی باشد. در تخلفات انتظامی بیان این واقعیت ضروری است که هر فعل یا ترک فعلی که واجد وصف تخلف از قوانین و مقررات باشد حتی در صورت عدم قابلیت محکومیت کیفری می تواند تحت عنوان فعل یا ترک فعلی که خلاف شئون و معایر حیثیت وکالتی از جهت انتظامی قابل تعقیب باشد. تخلفات انتظامی، ترک مسؤولیتهای وکیل یا کار آموز وکالت، آنها را در معرض تعقیب انتظامی قرار می دهد. شأن وکالت مفهومی بسیار وسیعی دارد و تمام خصوصیات زندگی حرفه ای وکیل را تحت شمول قرار می دهد. دادگاه انتظامی کانون وکلا وفق قوانین جاریه وکالت، وکلایی را که خلاف شأن وکالت عمل نمایند، مجازات می نماید.

واژگان کلیدی: وکیل، موکل، شأن وکالت، تخلف انتظامی

مقدمه

احکام عقد وکالت که در قانون مدنی بیان گردیده و مندرجات آن ناظر به مقررات وکالت در قرار می باشد و وکالت در دعاوی که از مصادیق قرارداد وکالت می باشد دارای مقررات ویژه ای است که در قانون آئین دادرسی مدنی و سایر قوانین مربوطه به آن اشاره شده است. از عمده ترین مسائلی که در باب وکالت مطرح میشود تعهدات وکیل و موکل نسبت به یکدیگر است و می دانیم اختیاراتی که در نتیجه عقد وکالت برای تصرف در امور موکل ایجاد میشود مطلق نیست و مشروط به تعهدات و الزاماتی است که وکیل باید آنها را رعایت کند. سپس چگونگی اجرای وکالت با امانت و کاردانی و مراقبت وکیل ارتباط تنگاتنگی دارد که در صورت تخطی، موجب مسئولیت مدنی وکیل نسبت به جبران خسارت وارده خواهد شد.

با انعقاد عقد وکالت، وکیل و موکل در برابر یکدیگر حق و تکلیف یافته و دارای رابطه حقوقی، وظایف و مسولیت‌های متقابلی میشوند. بطور کلی وکیل موظف است مورد وکالت را با رعایت حدود قانونی و قراردادی انجام دهد. این حدود با توجه به کیفیت انشاء وکالت و اقسام آن میباشد. در این خصوص ماده ۶۶۰ ق.م.مقر می‌دارد «وکالت ممکن است بطور مطلق و برای تمام امور موکل باشد یا مقید برای امر یا امور خاص».

اثر عقد وکالت دادن اذن و نیابت از طرف موکل به وکیل میباشد، نیابت هم به معنای تعهد نیست، مگر اینکه مال موضوع وکالت در اختیار وکیل قرار گرفته باشد در اینصورت وکیل مکلف و موظف است به انجام موضوع وکالت و در صورت تخلف مسول میباشد اما قانون مدنی یکسری تعهدات قانونی بر عهده وکیل می‌گذارد که در صورت انجام موضوع وکالت، وکیل باید این تعهدات قانونی را رعایت کند که عبارتند از: رعایت حدود اذن موکل، رعایت مصلحت موکل، حفظ اسناد و اموال موکل، دادن حساب دوره وکالت، عدم توکیل به غیر (مطلق نیست)، ممنوعیت معامله با خود.

وکیل باید حدود اذن موکل را در انجام موضوع وکالت رعایت کند و اقداماتش بر اساس مصلحت موکل باشد و مانند مالک دلسوز از مال امانی نگهداری نماید. بعد از انجام موضوع وکالت، حساب دوره وکالت را به موکل تقدیم کند. وکیل از آنجا که نایب موکل است بر اساس اذن موکل اقدام میکند تا زمانیکه به او اذن داده نشده، نمیتواند انجام موضوع وکالت را به دیگری تفویض کند. همچنین در مواردی که موضوع وکالت از عقدی است که شخصیت وجودی طرف دیگر عقد، در انگیزه ایجاد آن موثر است، وکیل نمیتواند معامله را با خود انجام دهد.

بر طبق قانون مدنی وکیل امین است و جز در موارد تعدی و تفریط ضامن نیست. امروزه عقد وکالت در عرصه زندگی اجتماعی کاربرد زیادی دارد و مردم در زندگی پر مشغله امروزی و در عرصه های مختلف صنعتی، بازرگانی، اقتصادی و اجتماعی که حجم مبادلات و معاملات بالا است و فرصت کافی ندارند برای تنظیم قراردادهای و انجام معاملات از خدمات وکیل بهره مند میشوند.

در این مقاله به این مساله می پردازیم که وکیل برای انجام امر وکالت با مسائل و مشکلاتی روبروست و لزوم دخالت وکیل و مسولیت مدنی و حقوقی و وظایف او را بررسی خواهیم نمود. اینکه در صورت تعدد وکلا وضعیت حقوقی دخالت وکیل در پرونده های حقوقی به چه نحو باشد جای طرح مساله بسیار را دارد. و اگر وکلایی به صورت مجتمع یا منفردا در دعوایی وارد شود عزل یا استعفای یکی از وکلا سبب رویداد چه اثری نسبت به وکیل دیگر میشود؟ اگر اصحاب دعوی وکلای متعدد در پرونده داشته باشند لیکن وکالت آنها به صورت استقلالی باشد رویداد حجر یا مرگ یکی از وکلا یا عزل یا استعفای این وکیل اثری نسبت به وکیل دیگر خواهد داشت؟ آیا این موضوع که برخی از وکلا با انتقاد از عبارت مجتمعا یا منفردا در دادگاه حاضر میشوند جنبه ی قانونی دارد؟ تمام این مسائل را در این تحقیق بررسی میکنیم. و اینکه در بحث حق الوکاله آیا گرفتن حق الوکاله مشروط به نتیجه مورد قبول دادگاه است؟

فصل اول: مفاهیم و پیشینه تاریخی وکالت**مبحث اول: پیشینه تاریخی**

تا آنجا که از حیث تاریخی، وکالت در ایران باستان وجود داشته است؛ در دادگاههای ایران باستان، دوسوی پرونده آزاد بودند تا برای خویش در دادرسی وکیل بگیرند. شرکت در دادگاهها رسماً اعلام میشد تا جایی که هیچگونه بدگمانی برای موکل نماند. وکلا میتوانستند بر خلاف و بر ضد اظهارات موکلان خویش سخن بگویند.^۱ در کتاب تاریخ حقوق ایران می خوانیم که در دوره هخامنشیان فردی بنام آیین بذ ((مشاور حقوقی)) در دستگاه دادگستری وجود داشته است.^۲

^۱. ساکت، محمدحسین، دادرسی در حقوق اسلامی، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۵۶.

^۲. امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، دایرة المعارف ایران شناسی، چاپ اول انتشارات دایرة المعارف ایران شناسی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۹۰.

همچنین در زمان ساسانیان طرفین دعوی می توانستند در دادگاههای حقوقی از مشاور و وکیل استفاده نمایند. وکلا به داتک گویان یا دادگویان معروف بودند و مقررات خاصی در این باب وضع شده بود.^۳ این دیدگاه تاریخی مؤید آن است که سابقه طولانی است به نحوی که در تمام ادوار، وکالت جایگاه خود را داشته است ولی باید پذیرفت که تصویب قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه (مصوب ۱۲۹۰) نقطه عطفی در نهاد وکالت است. که در ادوار بعدی به تکامل رسیده است. نظر به اهمیت امر وکالت و اشتغال به حرفه وکالت علاوه بر داشتن معلومات، تخصص و مهارتهای لازم، نیازمند وضع قوانین و مقررات خاصی بوده که در زمان مشروطیت با تصویب قانون اصول تشکیلات عدلیه (مصوب ۱۲۹۰/۴/۲۶) چگونگی اشتغال به وکالت و شرایط وکلاء ضمن مواد ۲۳۶ الی ۲۶۳ پیش بینی شده و متعاقب آن قوانین خاص مربوط به وکالت (قانون مصوب ۱۳۱۵ و ...) به تصویب رسید.^۴

تصویب قانون وکالت در ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ با اصلاحات بعدی با ۵۷ ماده و اصول کلی وکالت در عدلیه شمرده و آیین نامه قانونی وکالت در ۱۳۶۶/۳/۱۹ با ۷۰ ماده به تصویب رسید. که انقلاب در امر وکالت لایحه قانونی استقلال کانون وکلا می باشد در اسفند سال ۱۳۳۳ با ۲۶ ماده به تصویب نهایی رسید و در آذر ماه ۱۳۳۴ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری با ۸۹ ماده به تصویب رسید.

در شریعت اسلام نیز وکالت به صورت نهادی صورت قانونی پذیرفته شده و مانند سایر عقود امضایی مورد قبول شاذع مقدس قرار گرفته است و در سنت نیز مواردی از آن دیده می شود. و جواز وکالت که عقدی جایز است فی الجمله مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی است.

مبحث دوم: مفهوم وکیل

وکیل در لغت: بر وزن فعیل، جمع آن وکلاء، صفت مشببه، و به معنای کفیل، حافظ، کفایت کننده، صاحب و گماشتن کسی برای کاری است. ((متوکل علی الله)) بر کسی گفته میشود که بداند خداوند، کفیل روزی و امور وی است و کارهایش را به وی بر میگرداند و بر وحدانیت وی معتقد باشد

بر اساس ماده ۶۵۶ ق.م (وکیل کسی است که از طرف دیگری به موجب عقد وکالت مامور در انجام امری است.)^۵

وکیل دادگستری یک عضو مستقل در مجموعه خدمات قضائی است. وکیل به کار آزاد اشتغال دارد. و نوع فعالیت او با فعالیت اصناف نیز متفاوت است. وکیل دادگستری اشتغال به مشاوره و وکالت مستقل در تمام زمینه های حقوقی دارد.

با پذیرش وکالت، وکیل به طور ضمنی ملتزم به اجرای مفاد آن می شود. وکیل می تواند هرگاه بخواهد استعفا دهد و پیمانی را که با موکل دارد بر هم بزند، ولی تا زمانی که رابطه حقوقی باقی است باید آن را محترم بدارد. از سوی دیگر، اختیاری که وکیل از این راه بدست آورده است ناشی از تراضی با موکل و محدود به مفاد آن است. وکیل، نایب و امین موکل است و پیش از هر چیز باید در اندیشه حفظ منافع و رعایت مصالح او باشد و حساب دوران وکالت را به او بدهد.^۶

بر طبق ماده ۹۵۴ و ۶۸۲ (ق.م): عقد وکالت مبتنی بر اعطای نیابت و تفویض اذن است بنابراین هم اذن دهنده (موکل) عقد وکالت میتواند از اذن خود رجوع کند و هم نایب (وکیل و مأذون) حق استعفا دارد و این عقد مانند سایر عقود و قراردادهای جایز به موت و سفه در مواردی که رشد معتبر است، منفسخ میشود.

همچنانکه از مفهوم لغوی واژه موکل مستنبط است، در اصطلاح ((وکالت دهنده)) را موکل می گویند. ماده ۶۶۲ ق.م مقرر می دارد: ((وکالت باد در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را بجای آورد وکیل هم باید کسی باشد که برای انجام آن امر اهلیت داشته باشد.)) پس نمی توان به صغیر ممیز یا سفیه برای انجام دادن معاملاتی که از آن ممنوعند وکالت داد. همچنین کسی که اهلیت انجام اموری را ندارد در آن امور نمی تواند به دیگری نیز وکالت دهد.

^۳ کرمی، محمدباقر، مقدمه ای بر نظام کیفری ایران باستان، چاپ اول، انتشارات خط سوم، تهران، ۱۳۸۰، ص ۸۷

^۴ باختر، سیداحمد، وکالت معاضدتی و تسخیری در حقوق ایران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، ص ۳۳ و ص ۳۷

^۵ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، سال ۱۳۸۶، ص ۷۵۴

^۶ کاتوزیان، ناصر، درسهایی از عقود معین، گنج دانش، تهران، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۸۰

^۷ کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷

معنای لغوی وکالت " تفویض " و واگذار نمودن می باشد. در اصطلاح چنانچه ماده ۶۵۶ ق.م می گوید: " وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می نماید. " در نتیجه عقد وکالت، وکیل به جای موکل امر مورد وکالت را انجام می دهد. و از نظر حقوقی مانند آن است که موکل خود آن امر را انجام داده باشد.^۸

در فقه امامیه عقد وکالت جایز است و هر یک از دو طرف حق فسخ آن را دارد اما طرفین عقد آنرا ضمن عقد لازمی شرط می کنند و حق فسخ خویش را حسب مورد، محدود یا سلب می نماید. مشهور فقهای امامیه شرط وکالت در عقد ازدواج یا هر عقد لازم دیگر را پذیرفته اند در تعلیل و توجیه سلب حق عزل چنین گفته اند: چون عقد جایز از عقد لازم کسب لزوم میکند و به صورت تعهد فردی در می آید مادام که عقد اصلی به قوت خود باقی است تعهد فرعی نیز معتبر است و شخصی که چنین تعهد کرده است فاقد حق عزل می باشد اما اگر شرط وکالت در ضمن عقد جایز باشد، اعتباری پیش عقد جایز کسب نمیکند در نتیجه میتوان با فسخ عقد اصلی عقد جایز را به صورت شرط در آمده است را فسخ نمود.^۹

ماوردی از فقهای شافعی مذهب در تعریف وکالت می گوید: ((وکالت قرار دادن وکیل به جای موکل در عمل مأذون است)) . ابن قدامه از فقهای معروف حنبلی در کتاب معروف الشرح الکبیر بدون ارائه تعریفی از وکالت همانند عبدالله قدامه در کتاب " المغنی " ، ویژگی اساسی وکالت را اینگونه بیان می کند: « وکیل قرار دادن و پذیرش وکالت در چیزی صحیح نیست مگر از جانب کسی که تصرفش در آن چیز صحیح است. » زیرا کسی که خودش می تواند تصرف کند، به طریق اولی با نایبش می تواند تصرف کند و هر کس که تصرف خودش در چیزی درست باشد و آن چیز از امور قابل نیابت باشد، صحیح است که در آن مرد یا زن، آزاد یا بنده و مسلمان یا کافر را وکیل قرار دهد و این عقد به صورت لازم در می آید.^{۱۰}

شافعی ها می گویند: " وکالت یعنی شخصی چیزی را به دیگری تفویض کند تا در زمان حیاتش آن را انجام دهد مشروط بر اینکه شخص تفویض کننده در انجام آن چیز ذیحق باشد و آن چیز قابل نیابت باشد. " حنبلی ها معتقدند " وکالت عبارت است از اینکه شخصی که مجاز در تصرف است از حقوق خداوند تعالی و حقوق انسانها، نایب قرار دهد. " عقدی که به وکالت بسته شود، زاده تراضی نماینده است و نباید او را پیامبر یا واسطه بیان موکل شمرد. ولی اثر عقد به نماینده نمیرسد و تنها در حقوق موکل اثر دارد، با وجود این، نباید موکل را در رابطه قراردادی ((ثالث)) شمرد یا اثر عقد نسبت به او را تجاوز بهد قاعده نسبی بودن قرار داد پنداشت. در این فرض، عقد به نمایندگی و برای موکل بسته می شود و نتیجه پیروی از مفاد تراضی است. اثر نیابت این است که قانون موکل را اصیل و طرف عقد میشمارد. نه بیگانه و ثالث. و همچنین است در مورد نمایندگی قانونی و قضائی، مانند ولی و قیم و وصی و امین و متولی.^{۱۱}

با جمع بندی تعاریف ذکر شده می توان گفت:

وکالت عبارت است از سپردن صلاحیت تصرف از جانب موکل به کسی است، که در زمان حیات، مطلق باشد یا مقید. و آن در مواردی که جایز التصرف بوده و نیابت از آن شروع است، الزامی ندارد که اختیاری یا اضطراری باشد. وکالت دهنده را موکل و قبول کننده وکالت را وکیل می گویند. و مشهور فقها وکالت را " اعطای نیابت در تصرف " دانسته اند.

فصل دوم: وظایف و تعهدات وکیل

مبحث اول: تعهدات وکیل

الف- تعهد وکیل به انجام مورد وکالت

وکالت در هر امری مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیز هست مگر اینکه تصریح به عدم وکالت باشد. منظور از لوازم و مقدمات اعم از عقلی، عرفی، و عادی است و وکیل باید در انجام وظایف وکالتی مانند اعمال مربوط به خود با کمال دلسوزی عمل نماید.^{۱۲}

در مورد اجرای مفاد وکالت، قاعده آن است که وکیل باید موضوع وکالت را به نحو متعارف و مرسوم انجام دهد.^{۱۳} وانگهی باید دید دید اجرای موضوع از نوع " تعهد به نتیجه " است یا از نوع " تعهد به وسیله " که اجرای هر کدام متفاوت خواهد بود.

^۸ امامی، حسن، ح مدنی ج ۲، انتشارات اسلامی، سال ۱۳۸۸، ص ۲۹۲

^۹ قاسم زاده، مرتضی، مقاله وکالت بدون فسخ، مجله دیدگاههای حقوقی، ۱۳۸۵، www.vekalat.org تاریخ رؤیت: ۱۳۹۴/۹/۱۲.

^{۱۰} کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، پیشین ص ۳۵

^{۱۱} کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، پیشین، ص ۱۷۳

^{۱۲} لطفی، اسدالله، عقد وکالت، سلسله مباحث فقهی حقوقی عقد وکالت، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳ و ص ۱۲۴

^{۱۳} السنهوری، عبدالرزاق، الوسیط، ج ۷، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۴ م، ص ۴۵۱

هر گاه موکل و طرف معامله، در تمام شرایط معامله توافق نموده باشند، اتمام آن، تنها متکی بر امضای سند گردد و امضاء به وکیل سپرده شود؛ در اینصورت "تعهد به نتیجه" است و اجرا هنگامی محقق میشود که "نتیجه مطلوب" حاصل شود و امضاء تحقق یابد.^{۱۴}

گاه تعهد به وسیله است که باید برای پیروزی تلاش ورزد، ولی اگر با کوشش متعارف، نتیجه مطلوب حاصل نشد، نمی توان گفت که اجرای وکالت نکرده است.

تفاوت میان آن دو در مرحله اثبات نمایان می گردد؛ اثبات اجرای وکالت در "تعهد به نتیجه" به عهده وکیل است و حاصل شدن نتیجه مطلوب، "عدم انجام تعهد" معنا می دهد، در "تعهد به مواظبت و وسیله" به چنگ نیامدن نتیجه مطلوب برای اثبات تقصیر وکیل کفایت نمی کند؛ موکل باید اثبات کند که وکیل در راه رسیدن به نتیجه دلخواه تلاش متعارف نورزیده است.^{۱۵}

ب-تعهد وکیل به رعایت مصلحت موکل

یکی از تعهدات وکیل در مقابل موکل خود، رعایت مصلحت موکل است. این مطلب در ماده ۶۶۷ ق.م. به صراحت آمده است. این ماده می گوید ((وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را رعایت نماید. و از آنچه موکل بالصراحه به او اختیار داده است یا بر حسب عرف و قرائن و عادت داخل در اختیار اوست تجاوز نکند.)) تشخیص اینکه آیا موکل در اقدامات و تصرفات خود رعایت مصلحت موکل را کرده است یا خیر با عرف است و دادگاه نیز در تشخیص این امر عرف را ملاک حکم خود قرار خواهد داد.^{۱۶}

ماده ۴۱ ق.و همسو با ماده ۶۶۶ ق.م. و بند ۳ ماده ۸۲ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، به نوعی ضمانت اجرای عدم رعایت مصلحت موکل را مد نظر قرار داده، مقرر میدارد:

"در صورتیکه خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و با نتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد. و موکل میتواند خسارت وارده به خود را از او مطالبه نماید."^{۱۷}

ج-تعهد وکیل به حفظ اسرار موکل

ماده ۳۰ ق. و مقرر میدارد: (وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیت و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.) ماده ۸۱ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری در مقام بیان ضمانت اجرایی عدم رعایت تعهد مذکور، وکیلی را که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشاء نماید، قابل تعقیب و مشمول مجازات انتظامی دانسته است. اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت باشد یا مربوط به شرافت و یا حیثیت و یا اعتبار موکل. قابل ذکر است، اقامه دعوی علیه وکیلی که اسرار موکل خویش را فاش ساخته است، صرفاً مستند به حکم قانونی مذکور نیست بلکه به نوبه خود از جهات دیگری نیز قابل تعقیب مدنی و کیفری می باشد. همچنانکه ماده ۸۹ آئین نامه ذکر شده به صراحت بیان میدارد "تعقیب انتظامی، مانع تعقیب مدنی یا کیفری نیست"

د-تعهد وکیل به تقدیم حساب دوران وکالت و استرداد اموال و اسناد موکل

با عنایت به اینکه وکیل به نیابت از موکل خویش عمل میکند، کلیه اقدامات مالی و معاملاتی را که در دوران وکالت خویش انجام می دهد. منتسب به وکالت مذکور بوده. به استناد نص ماده ۶۶۸ ق.م. پس از خاتمه این دوران موظف است با وی تصفیه حساب کرده، آنچه را که به عنوان جانشینی او دریافت کرده است البته ممکن است موکل در ضمن قرارداد یا پس از آن وکیل را از دادن صورتحساب معاف نماید. که در اینصورت این تعهد از وکیل برداشته خواهد شد. نکته ی دیگری که در اینجا ضروری است این است که با توجه به صنعت امانت در وکیل و اینکه وکیل را امین موکل قرار میدهد از باب قاعده (لیس علی الامین الا الیمین) ادعای وکیل را در تلف مالف رد ثمن و نفی تعدی و تفریط م در ایران به طور صریح و مستقل، حکم به لزوم استرداد اموال و اسناد موکل عندالمطالبه یا متعاقب انقضای وکالت نشده است. از طرفی حکم قانونی که دلالت بر جواز "حق حبس" وکیل نماید نیز وجود ندارد. بنابراین در موضع شک و تردید لازم است به اصول و عقاید مسلم حقوقی است حاکم بر مسئله تمسک جست و با اجرای "اصل عدم وجود حق حبس"، کلیات احکام قانونی حاکم بر امین را مجری بدانیم، چرا که ماده ی ۶۳۱ ق.م مقرر میدارد: ((هرگاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد

^{۱۴} لطفی، اسدالله، عقد وکالت، پیشین، ص ۱۲۵

^{۱۵} کاتوزیان، ناصر، عقود معین ۴، انتشارات برنا، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، ص ۱۶، ۱۶۳

^{۱۶} لطفی، اسدالله، عقد وکالت، پیشین، ص ۹۳

^{۱۷} ر.ک رأی دیوانعالی کشور، ۹/۹۰۸، ۱۳۶۳/۳/۲۹، عقود معین ج ۴، ص ۱۰۴

و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد مثل مستودع است.)^{۱۸} لذا همچنانکه امین در فرض طلبکار بودن از مستودع حق حبس اموال امانی او را ندارد، وکیل محق نیز همین حکم را دارد.^{۱۸}

در فقه امامیه لزوم تسلیم مالی که از موکل در دست وکیل است، تنها هنگام پایان وکالت نیست بلکه هرگاه موکل آن را طلب نماید، وکیل باید تحویل دهد و اگر بدون عذر تأخیر ورزد ضامن میگردد. در نتیجه اگر توسط آفت آسمانی هم تلف گردد، باید خسارت آن را بپردازد.^{۱۹}

مبحث دوم: مسؤلیت وکیل

اگر وکیل در فرضی که عقد وکالت به جای خود باقی است از اجرای مفاد آن خودداری کند یا آنچه را به عهده دارد به تأخیر اندازد، مسؤل زیانهای مادی و معنوی است که از این راه به موکل وارد می شود. درست است که او می تواند، هرگاه بخواهد عقد را فسخ کند، ولی تا زمانی که پیمان نگسسته، متعهد به اجرای آن و مسؤل پیامدهای تخلف خویش است. در موردی که وکیل با اذن موکل برای اجرای وکالت، وکیل دیگری انتخاب می کند، خواه برای موکل باشد یا خود وکیل، مسؤل اعمال او نیست. زیرا، وکیل انتخاب شده در شیوه اجرای وظایف خود آزاد است و موکل نیز، با دادن اختیار توکیل نتیجه اعمال او را نسبت به خود پذیرفته است.^{۲۰}

هرگاه وکیل در انتخاب خود بی مبالاتی کند و محجور یا معسر یا ناشایست را برگزیند، مسؤل این تقصیر خویش است.^{۲۱} لیکن اگر در این انتخاب نتوان خرده گرفت، چون کاروکیل دوم به دستور وکیل اول انجا نمی شود، نمی توان او را مسؤل همه ی تقصیرهای وکیل دوم پنداشت.

بند اول: انواع مسؤلیت

الف: مسؤلیت مدنی قهری

وکلا دادگستری در مقابل موکل خود علاوه بر مسؤلیت ناشی از قرارداد وکالت بر اساس قواعد عمومی قانون مدنی مصرحه در موارد ۱۰ و ۲۱۹ ق.م. به جهت تخلفات قراردادی و نیز مقررات عقد وکالت از قانون مدنی، دارای الزامات و مسؤلیتهای پیش بینی شده در مقررات قانون وکالت و لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری به عنوان قوانین خاص حرفه ای نیز هستند. در واقع تعهدات و الزامات وکلای دادگستری ترکیبی از مسؤلیت قراردادی (تابع قواعد عمومی) و مسؤلیت قانونی (تابع قوانین خاص حرفه ای) است.^{۲۲}

دعوی مسؤلیت مدنی وکیل در مقابل موکل مستلزم اثبات تقصیر و ورود ضرر و رابطه تقصیر با ضرر وارده است که البته با محکومیت قطعی انتظامی وکیل، تقصیر وکیل محرز میشود. قابلیت استناد در دادگاه عمومی حقوقی را دارا است. البته بنابر اصل الزام محاکم قضائی به رسیدگی به دعاوی و شکایات اشخاص به موجب اصل ۱۵۹ قانون اساسی، موکل بدون مراجعه به مراجع اختصاصی ضرر و زیان و رابطه ضرر و تخلف، خسارت وارده را از وکیل خود مطالبه کند. در هیچ نظام حقوقی مبنای واحدی برای مسؤلیت مدنی انتخاب نگردیده است و دلیل این عدم انتخاب از آنجا ناشی می شود که از یک سو وجدان عمومی جامعه، جبران زیان وارده به زیان دیده را به طور کامل ضروری میدانند. و از سوی دیگر عدالت از محکوم نمودن شخصی که مرتکب تقصیر نگردیده است ابا دارد. بر همین اساس تلفیق این دو حکم به سادگی قابل جمع نبوده و سبب ایجاد دو نظریه در این باب گردیده است.^{۲۳}

ب- مسؤلیت قراردادی

تعهدی است ناشی از تخلف از مفاد قرار داد خصوصی که برای افراد ایجاد میشود، به همین جهت، عدم اجرای تعهد ناشی از هر قراردادی به معنای ارتکاب یک خطای قراردادی است. خواه ناشی از عمی باشد یا خطا، تخلف از قرارداد تنها به مصراحت آن محدود نمی گردد، شامل آثار عرفی و قانونی آن نیز می شود.^{۲۴}

بند دوم: انواع خسارتهای قابل مطالبه از وکیل

خسارتهای قابل مطالبه از وکیل به شرح زیر می باشند:

^{۱۸} کاتوزیان، ناصر، عقود معین ۴، پیشین، ص ۱۷۹

^{۱۹} مغنیه، محمد جواد، فقه الامام الجعفر الصادق، ج ۴، دار الجواد، بیروت، ص ۲۴۶.

^{۲۰} دکتر کاتوزیان، ناصر، عقود معین ۴، پیشین، ص ۴۳

^{۲۱} کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، جلد اول، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، ج ۳/ش ۱۴۰۳

^{۲۲} روزنامه حمایت، کد خبر ۳۵۲-۱۳۹۲/۱۱/۵

^{۲۳} بیدرام، شیرین، مقاله مسؤلیت مدنی وکیل دادگستری در حقوق ایران، ۱۳۹۲

^{۲۴} بیدرام، شیرین، مقاله مسؤلیت مدنی وکیل دادگستری در حقوق ایران، ۱۳۹۲، www.isfahanbar.org

الف: خسارت ناشی از تلف شدن مال و خسارت ناشی از فوت منفعت

این نظر در حقوق ایران پذیرفته شده است که مستند آن ماده ۷۲۸ ق.آ.د.م می باشد که عنوان نموده است. ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مال باشد یا بواسطه فوت منفعت. نکته قابل توجه در این نظریه این است که دادگاهها اصولاً منفعت آنی را مسلم نمیدانند. و احتمال بروز حوادث غیر عادی را که مانع از محقق الوصول بودن این قبیل منافع میدانند و حال آنکه مقصود از مسلم بودن منافع، منافعی است که ظن قوی برای حصول آنها وجود دارد نه یقین کامل.^{۲۵}

ب: خسارتهای مربوط به منفعت اعاده، اعتماد، انتظار

منفعت اعاده: مالی است که در یک رابطه قراردادی، یکی از طرفین برای انجام خدمتی به طرف دیگر میدهد و در صورت تخلف وی از انجام خدمت، می تواند آن را مسترد نماید. منفعت اعتماد: خسارتی است که طرف قرارداد در نتیجه وضع خود که ناشی از اعتماد به اجرای قرارداد بوده است متحمل شده است. مانند بازرگانی که به اعتماد قرارداد تنظیم شده توسط یک وکیل اقدام به اخذ وام می نماید، لیکن قرارداد مزبور به دلیل عدم رعایت موازین قانونی در تنظیم آن بی اعتبار شناخته میشود. در این صورت خساراتی را که چنین بازرگانی از جهت تهیه مقدمات اجرای قرارداد متحمل شده به عنوان منافع اعتماد، قابل مطالبه از وکیل است. منفعت انتظار: شامل منافعی است که طرف قرارداد انتظار بدست آوردن آن را داشته و به جهت تخلف طرف مقابل، از آن محروم شده است.^{۲۶}

ج: خسارت معنوی

هر چند در ماده ۱۰ ق.م. و نیز بند ۲ ماده ۹ ق.آ.د.ک سابق مطالبه ضرر زیان معنوی پیش بینی شده است، لیکن در فقه امکان مطالبه ضرر زیان معنوی مورد اختلاف است. شورای نگهبان نیز تلویحاً چنین خسارتی را غیر قابل مطالبه دانسته است. بدیهی است عدم صدور احکامی از این قبیل خسارات توسط محاکم تا کنون، به معنای عدم امکان مطالبه آن نیست. خاصه آنکه چهره اقتصادی زندگی آنان را متأثر میسازد. بنابراین همانگونه که در مسؤلیت قهری، مطالبه ضرر زیان معنوی نیز پیش بینی شده است. مطالبه این ضرر و زیانها در مسرلیتهای حرفه ای باید مورد پذیرش واقع شود. بدیهی است دشواریهای مربوطه به تعیین اندازه گیری این قبیل زیانها، اصل حق مورد مطالبه را منتفی نمی سازد.^{۲۷}

د: خسارت ناشی از تزویر در وکالت

اگر وکیل در جریان وکالت مرتکب عملی گردد که باعث خسارت بر موکل گردد، مثلاً آپارتمان را بیشتر از آنچه که ارزش دارد، بخرد، یا در دعوایی که باید دفاع نموده، دفاع نکرده باشد، و به نحوی دانسته شود که این کار ناشی از سستی و بی اعتنائی وکیل بوده است و یا بعداً ثابت شود که تزویری در کار بوده است در اثر توافق وکیل با طرف مقابل، موکل دچار زیان گردیده است. و خلاصه اینکه وکیل به وظیفه قانونی خود عمل ننماید و یا وکیل به قصد تجاوز و سرکشی از تسلیم نمودن مال به موکل، خودداری نمود و آن مال در خزانه و یا مکان دیگری تلف شد، در اینصورت با تبدیل نیت وکیل، حکم نیز تبدیل میشود. در تمام موارد، وکیل مسؤل تزویر خود و خطاهای ایجاد شده خود می باشد.

ه: خسارت ناشی از خطا در وکالت

اگر وکیل در جریان عمل خود، مرتکب زبانی گردد که ناشی از عمل وی بوده و در عین حال این زماناندک باشد باید دید این وکالت با مزد بوده یا بی مزد. و اگر با مزد باشد و وکیل مرتکب زیان شده باشد اگر وکیل تعدی و تفریط نکرده باشد، مسؤل نیست ولی در صورت احراز تعدی و تفریط، مسؤل خسارت وارده به موکل می باشد.

فصل سوم: تخلفات انتظامی وکلای دادگستری

حرفه وکالت تحت ضابطه دقیق قانونی قرار دارد. وکلای دادگستری تابع کانون وکلای دادگستری در هر استان مشمول مقررات ویژه انتظامی هستند که دادرها و دادگاههای انتظامی مربوطه که منتخب هیأت مدیره می باشند اجرای این مقررات را به عهده دارند. و دادگاه عالی انتظامی قضات مطابق ماده ۱۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا و ماده ۷۵ آئین نامه آن مرجع تجدید نظر احکام صادره درجه ۴ به بالا و نیز آرای صادره در مورد تعلیق وکیل یا رد درخواست تعلیق می باشد. و کارآموزان وکالت هم برابر ماده ۳۸ آئین نامه مذکور با پروانه کار آموزی تحت نظارت وکیل سرپرست می توانند کار وکالتی قبول کنند. در توضیح و تبیین تخلفات انتظامی، بیان این واقعیت ضروری است که هر فعل یا ترک فعلی که واجد وصف مجرمانه باشد حتی در صورت عدم قابلیت محکومیت کیفری جز در موارد استثنایی

^{۲۵} کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد همان، ص ۵۴ و برای اطلاعات بیشتر در رابطه با منافع ممکن الحصول ر.ک: ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید.

^{۲۶} کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهاردهم، سال ۱۳۷۸، ص ۵۳

^{۲۷} قهرمانی، نصرالله، مسؤلیت مدنی وکیل دادگستری، نشر گندم، چاپ نخست، ۱۳۷۷، ص ۹۳

می تواند تحت عنوان فعل خلاف شئون یا ترک آن و مغایر حیثیت وکالتی از جهت انتظامی قابل تعقیب باشد، و این ویژگی را تخلفات انتظامی واجد هستند که به محض ترک مسؤولیت‌های مدنی، وکیل یا کار آموز وکالت را در معرض تعقیب انتظامی قرار دهند. مهمترین تخلفات انتظامی به قرار زیر می باشند:

مبحث اول: تخلف از نظامات

تخلف از نظامات را میتوان در رده مهمترین تخلفات ارتكابی از سو وکلاء نامید که به لحاظ پراکندگی مصادیق مختلف از اهمیت و جایگاه به سزایی برخوردار است. وکیل با تحلیف و سوگند در واقع خود را مقید و ملتزم به رعایت آن می داند. لذا آگاهی نسبت به نظامات و پرهیز از رفتار خلاف آن در ارتقاء امنیت شغلی و جایگاه وکیل در جامعه واجد اهمیت است.

ماده ۷۷ آئین نامه لایحه قانون استقلال کانون در بندهای ۱ و ۲ عنصر قانونی بر خورد با این قسم از تخلفات را روشن نموده است و عدم رعایت نظامات که بعضاً در نگاه عده ای از وکلاء کم اهمیت و فاقد ارزش است و تصور شود که مجازات تعیینی در باب تخلف از نظامات از درجه نازلی برخوردار است.

آنچه حائز اهمیت است، اینست که مطابق سوگندنامه، وکلاء مکلف به رعایت نظامات کانون می باشند. بنابراین شرایطی که وکیل از سوگند تخلف نموده است پر بیراهه نخواهد بود که به مجازات مقرر در باب تخلف از سوگند گردد. تخلف از سوگند مفهوم کلی دارد و دایره شمولش گسترده تر می باشد. و به موجب تفسیر قوانین به نفع متهم نایستی هر تخلفی را علی الخصوص تخلف از نظامات را جزئی از تخلف سوگند محسوب نمود. هر چند که بیش از آنکه جنبه جزائی داشته باشد جنبه اخلاقی دارد. و در جائیکه کانون به عنوان تنها مرجع صالح جهت تعیین و تبیین نظامات محسوب می شود، قانونگذار مجازات مشخصی را تعیین نموده است. لذا اختلاط آن با تخلف از سوگند جایز نمی باد.^{۲۸}

مبحث سوم: عدم حضور در دادگاه در وقت مقرر بدون عذر موجه

یکی از تکالیف مهم وکیل نسبت به موکل و دستگاه قضائی حضور به موقع در دادرسی ها و پیگیری امور در دادگاه از یک سو و توجه به اخطاریه های محاکم قضائی و انتظامی مبنی بر حضور در محاکمات از دیگر سو می باشد.

ماده ۲۷ قانون وکالت مقرر میدارد: " وکلاء مکلفند در موقع محاکمه حاضر شوند مگر اینکه عذر موجهی از قبیل فوت یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم و ابتلاء به مرضی که مانع از حرکت و یا اینکه حرکت، جهت او مضر شناخته شود و همچنین در مواقعی که حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله و غیره مانع از حرکت آنها باشد، داشته باشند.

اطلاع وکیل به محکمه در باب عذری که برای عدم حضور او پیدا شده معتبر است. مگر آنکه خلافش اثبات شود، در اینصورت وکیل به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم خواهد شد.^{۲۹}

مبحث چهارم: عدم حضور با وجود اختیار وکالت در توکیل

چنانچه وکیل در اختیارات مقرر در وکالتنامه به بند ۶ ماده ۳۵ قانون آئین دادرسی مدنی در خصوص اخذ وکالت در توکیل تصریح نموده باشد تحت هیچ عنوانی و به هیچ عذری حتی معاذیر مقرر در ماده ۴۱ ق. آ. د.م نمی تواند از زیر بار حضور در جلسات رسیدگی شانه خالی کند.

به موجب مقررات ماده ۲۹ ق.و (از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه پذیرفته نمی شود. هر گاه وکلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید به یکی از دو محکمه که نسبت به دعوای مطرح در آن جا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد. و در دیگری خود حاضر شود.)^{۳۰}

نظر به ماده ۱۰۳ اصول تشکیلات عدلیه مقرر می دارد:

((وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند نمیتوانند به هیچ عذری از حضور در جلسات مقرر معذور گردند و اگر در یک ساعت در دو محکمه دعوت شوند باید به یکی از دو محکمه ای که نسبت به دعوای مطروح در آن جا وکالت در توکیل دارند وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود.)) همچنین دربخشنامه شماره ۲۳۹۶ مورخ ۱۳۰۹/۲/۲۹ در مورد عدم حضور وکلای دارای اختیار وکالت در توکیل در محاکم به عذر مریضی مقرر داشته " بر طبق اطلاعی که رسیده است گاهی اوقات پاره ای از وکلاء عدلیه با داشتن اختیار وکالت در توکیل غیر، به بهانه ناخوشی و فرستادن گواهی نامه پزشکی در دادگاه حاضر نشده و خواستار تجدید وقت محاکمه می شوند. چون این رویه قطع نظر از اینکه مخالف ماده ۲۹ ق.و است و به منظور حسن جریان کارهای قضائی و تسریع در احقاق حق، لطمه وارد میسازد. هرگاه

^{۲۸} سامی، عبدالله، مقاله تخلفات انتظامی وکیل دادگستری، ۱۳۹۳، www.vokalayeazadandish.com

^{۲۹} ماده ۲۷ قانون وکالت و ماده ۴۱ قانون آوین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

^{۳۰} ماده ۲۹ قانون وکالت

در آینده نظیر این چنین رفتاری از هر یک از وکلاء عدلیه سر بزند دادگاه مکلف است فوراً به دفتر کل وکلاء اطلاع داده و مقررات انتظامی درباره متخلف به طور شدید اجراء خواهد شد.^{۳۱}

مبحث پنجم: استعفای وکیل و عدم اطلاع آن به موکل و دادگاه

فلسفه تأسیس این تخلف انتظامی آن است که وکیل باعث اطاله دادرسی نگردد و اگر با قصد سوء نیت مرتکب این عمل شود به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می‌گردد؛ در صورتیکه ((برای تطویل دادرسی به وسیله خدعه آمیز از قبیل رد، دادرسی یا داوراستعفا دهد و یا اینکه وکیل استعفای خود را به موقع به موکل و دادگاه اطلاع ندهد باعث اضرار موکل و طرف مقابل خواهد شد، وکیل می‌تواند در اعلام وکالت و طرح دعوی در خصوص مورد وکالت ((باعث احاله نتیجه گیری موکل شده و از تخلف انتظامی محسوب می‌شود؛ تا بدین وسیله از ورود ضرر به موکل و طرف مقابل او جلوگیری شود و وکیل پاسخگوی موکل خود باشد.

مبحث ششم: تأسیس دفتر وکالت در غیر محل مجاز و تمرکز در محل غیر مجاز

ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری ۱۳۷۶/۶/۱۷

" وکلاء نمی‌توانند در غیر محلی که برای آنجا پروانه وکالتی دریافت کرده اند دفتر وکالت تأسیس نمایند و همچنین نمی‌توانند عملاً خود را در محل دیگری متمرکز نمایند. تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم خواهد شد. و در کانونی رسیدگی خواهد شد که تخلف در حوزه آن انجام شده است. " ^{۳۲} در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر، کانون متبوع وکیل نیز حق رسیدگی دارد.

تبصره ۱: ادامه وکالت در پرونده‌هایی که قبل از تصویب این ماده مطرح گردیده و همچنین با اجازه کانون متبوع وکالت خویش از خویشاوندان تادرجه ۳ از شمول این ماده مستثنی است. و در صورتیکه در حوزه اخیر تابع کانون وکلای دیگر باشد. اجازه کانون مزبور نیز لازم است.

ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری ۱۳۷۶/۶/۱۷

" وکلاء نمی‌توانند در غیر محلی که برای آنجا پروانه وکالتی دریافت کرده اند دفتر وکالت تأسیس نمایند و همچنین نمی‌توانند عملاً خود را در محل دیگری متمرکز نمایند. تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم خواهد شد. و در کانونی رسیدگی خواهد شد که تخلف در حوزه آن انجام شده است. " ^{۳۳} در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر، کانون متبوع وکیل نیز حق رسیدگی دارد.

تبصره ۱: ادامه وکالت در پرونده‌هایی که قبل از تصویب این ماده مطرح گردیده و همچنین با اجازه کانون متبوع وکالت خویش از خویشاوندان تادرجه ۳ از شمول این ماده مستثنی است. و در صورتیکه در حوزه اخیر تابع کانون وکلای دیگر باشد. اجازه کانون مزبور نیز لازم است.

در قوانین و مقررات وکالت صراحتاً در بحث تخلفات انتظامی وکلاء ایجاد اختلال در نظم دادگاه اشاره نگردیده است. و مقرر می‌دارد: وکلا باید در مذاکرات شفاهی در محکمه و لوائح کتبی احترام و نزاکت را نسبت به محاکم و تمام مقامات اداری رعایت نمایند و در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد مگر اینکه مشمول یکی از عناوین جزایی باشد. به نظر می‌رسد در خصوص ایجاد اختلال در نظم دادگاه توسط وکیل دادگستری، علاوه بر صدور حکم یا دستور اجرای آن در صورت ارسال گزارش به کانون وکلا و طرح پرونده در دادرسی کانون وفق بند ۱ و ۱۰ ماده ۸۰ آئین نامه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری به ۴ درجه تنزل محکوم می‌گردد.

مبحث هفتم: اعمال و رفتار خلاف شأن وکالت

شأن واژه ای عربی است که در فارسی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در فرهنگ عمید نیز این کلمه را به معنای قدر و مرتبه دانسته‌اند.^{۳۴} در سایر فرهنگها نیز کلمه ارزش، اعتبار، شکوه، جلال، درجه، عظمت، را برای این واژه عنوان کرده‌اند.

صاحب نظران نیز تعاریف گوناگونی از این واژه داشته‌اند. برخی شئون وکالت را مجموعه امور و وظایف حرفه ای و تکالیف اخلاقی و اجتماعی میدانند که به لحاظ شغل و مقام وکالت، رعایت آنها برای وکلاء الزامی است. برخی دیگر شأن را انتظاراتی که جامعه از

^{۳۱} شیخ الاسلامی، مرتضی، تخلفات انتظامی وکیل دادگستری، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲، صص ۲۵۶ و ۲۵۷

^{۳۲} ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت

^{۳۳} ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت

^{۳۴} عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، ص ۶۰۶

یک منزلت یا جایگاه اجتماعی دارند، میدانند. به طور کلی برخی برای تشخیص رفتار خلاف شئون، عرف خاص وکلا را معیار قرار میدهند و گروهی دیگر عرف و انتظارات جامعه از این اشخاص را ضابطه رفتار خلاف شأن می دانند.

بند یک ماده ۸۰ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری برای ارتکاب اعمال و رفتار منافی شئون وکالت، مجازات انتظامی درجه ۴ پیش بینی کرده است. که کیفر ارتکاب به شرح بند ۴ ماده ۷۶ تنزل درجه است. برای آگاهی دقیق از مصادیق رفتار خلاف شأن وکالت لزوماً باید بدانیم شأن وکیل دادگستری چیست؟ نظر در معنای وسیع هر عمل خلاف قانون و اخلاق که مقبول عامه نباشد خلاف شأن وکیل دادگستری است. بعضی از اعمال نانوشته در قوانین و آئین نامه ها نیز عرفاً خلاف شأن است و واضح است که جامعه از وکیل دادگستری انتظاری فراتر از یک فرد عادی دارد و ارتکاب بعضی از اعمال عادی فابل تحمل است ولی از وکیل دادگستری خیر. قداست کار وکالت نیز در گرو عدم انجام اعمالی است که مقبول نظر عامه نیست؛ جامعه از وکیل دادگستری در زندگی شخصی و اجتماعی انتظار احترام به حقوق دیگران - انجام تعهدات اخلاقی و قانونی را دارد.

تسری به زندگی خانوادگی یا اجتماعی آنها نیز مرتبط است؛ هیأت عمومی دادگاه انتظامی وکلای دادگستری نظر دوم را مرجع و مورد تائید قرار میدهد. رأی مورخ ۲۴ / ۸ / ۸۳ این هیأت مقرر است بر اینکه ((هر چند از ظاهر مواد آئین نامه تخلفات چنین مستفاد می شود که اعمال و رفتار وکیل دادگستری در انجا که به عنوان خلاف شأن مدنظر قرار گرفته، اعمال و رفتاری است که باید رابطه علیت با وظایف وکالتی او داشته باشد. لیکن در همین آئین نامه مواردی نیز آورده شده که خارج از این محدوده و حوزه قرار دارد مثل تجاهر به استعمال مسکر و افیون در ماده ۷۹ که صرفاً جنبه شخصی دارد علاوه بر این در قسم نامه که تخلف از ان در بند ۳ ماده ۸۱ پیش بینی شده و تعیین مجازات گردیده است تصریح دارد که وکیل دادگستری در امور شخصی خود باید راستی و درستی را رویه خود قرار دهد و مدافع حق باشد که ناظر به جهات اخلاقی وکیل دادگستری است لذا رأی شعبه سوم دادگاه انتظامی کانون که بر محکومیت وکیل مشتکی عنه در تجدید فراش با عدم رضایت همسر خود بدون تحصیل مجوز قانونی صادر شده است.

نتیجه گیری

وکیل دادگستری به کسی اطلاق می شود به موجب عقد وکالت مأمور در انجام امری است که این امر باید امر حقوقی باشد. و شامل امور عادی نمی شود. و اذن منشا این پدیده حقوقی است و نیابت اثر آن است و موکل می تواند از اذن خود رجوع کند و وکیل هم حق استعفا دارد. برای صحت عقد وکالت، هر فردی در اموری که خود میتواند انجام دهد مانند قبول هبه و صلح بلا عوض می تواند به غیر وکالت دهد.

بطور کلی در باب مسولیت خاص مشاغل حرفه ای مثل وکلای دادگستری به نظر میرسد بسیاری از مواردی که به طور صریح در قرارداد وکالت ذکر نشده است اگر تخلفی چنان محرز که تأثیر بسزایی در ورود ضرر به موکل راداشت آن تخلف از شرط ضمنی تلقی گردیده و مسولیت قراردادی تلقی می شود. در خصوص لزوم دخالت وکیل در دعاوی حقوقی به نتیجه می رسیم نظر قانونگذار بر ضرورت لزوم دخالت وکیل در دعاوی در اینگونه دعاوی حقوقی می باشد و حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی از معیارهای اساسی دادرسی عادلانه است. در حقوق ایران حضور وکیل در مرحله دادرسی به رسمیت شناخته شده و در مرحله تحقیق تحدید شده است. البته این حق تحدید شده نیز فقط شامل کسانی می شود که از توانایی مالی برخوردار نیستند بطور کلی نمیتوانند از وکیل برخوردار شوند.

عدم مداخله وکیل ماهر و مباشرت داشتن خود طرفین در دفاع، در بسیاری از موارد به زیان آنها می انجامد و به علت عدم استفاده به موقع از ادله یا طرح ایراد یا طرح ناقص یا اشتباه دعوا و خواسته یا افزون مطالب غیر واقعی یا تناقض یا تطویل غیر لازم و دور شدن از اصل مطالب از حق خود محروم گردند. یکی از عوامل اشتباه و احکام خلاف قانون دادگاهها یا برخی تخلفات آنها که منتهی به رسیدگی دادگاه انتظامی قضات می شود و نیز توجه به حجم کار دادگاهها و به ثمر نرسیدن زحماتشان، عدم حضور وکیل در جریان دادرسی است.

مقررات انتظامی، اعتلای سطح اخلاقیات حرفه ای است و در این حوزه هر عملی که شائبه غیر اخلاقی داشته باشد به عنوان رفتار غیر حرفه ای محسوب می شود و قانونگذار مجازات مشخصی را برای آن تعیین نموده است. وکیل مانند هر صنفی مکلف به رعایت نظامات خود نخواهد بود. وکیل هم شأن قاضی است و در موضوع دعوی از احترام و تأمینات شغلی قضا برخوردار است که همان مصونیتی است که قاضی در صورت ارتکاب جرم از آن برخوردار است.

در مبحث شئونات وکیل به این نتیجه میرسیم که هرگونه فعل یا ترک فعلی از ناحیه وکلای دادگستری که منشا آن بر خلاف عظمت نام وکلای دادگستری در جامعه باشد مشمول رفتار خلاف شأن وکالت تلقی میشود. و برای آن مجازاتی در نظر گرفته میشود. بنابراین وکیل باید در هر لحظه مراقب رفتار و کردار خود باشد. و تمامی عملکرد او به گونه ای باشد که شئونات وکالت حفظ گردد.

پیشنهاد می شود که نظر به تخصص وکیل و ضرورت حضور وی جهت دادرسی عادلانه و جلوگیری از اطاله دادرسی، شایسته است مقنن حضور وکیل در دعاوی حقوقی را الزامی نماید و در کنار آن قانونگذار و نهادها و مراجع عمومی، فرهنگ وکالت و استفاده از وکیل را گسترش دهند در خصوص قرارداد مشروط به نتیجه، از حیث منطقی و عقلی و نظر به اصل آزادی قراردادها هیچ گونه منع شرعی در اشتراک وکیل در محکوم به وجود ندارد. شایسته است مقنن اشتراک وکیل در اصل محکوم به و ارزش آن را تجویز نماید. برای جلوگیری از تفسیر به رای، پیشنهاد می شود مقنن مصادیق رفتارهای خلاف شأن وکالت را احصاء نماید.

منابع و مراجع

- [۱] امامی، حسن، ح مدنی ج ۲، انتشارات اسلامیه، سال ۱۳۸۸.
- [۲] امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، دایرة المعارف ایران شناسی، چاپ اول انتشارات دایرالمعارف ایران شناسی، تهران، ۱۳۸۲.
- [۳] باختر، سیداحمد، وکالت معاضدتى و تسخیری در حقوق ایران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- [۴] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، سال ۱۳۸۶.
- [۵] ساکت، محمدحسین، دادرسی در حقوق اسلامی، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- [۶] شیخ الاسلامی، مرتضی، تخلفات انتظامی و کیل دادگستری، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- [۷] عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۹۰.
- [۸] قهرمانی، نصرالله، مسؤلیت مدنی و کیل دادگستری، نشر گندم، چاپ نخست، ۱۳۷۷.
- [۹] کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.
- [۱۰] کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهاردهم، سال ۱۳۷۸.
- [۱۱] کاتوزیان، ناصر، عقود معین ۴، انتشارات برنا، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، ص ۱۶، ۱۶۳.
- [۱۲] کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، جلد اول، ضمان قهری، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
- [۱۳] کرمی، محمدباقر، مقدمه ای بر نظام کیفری ایران باستان، چاپ اول، انتشارات خط سوم، تهران، ۱۳۸۰.
- [۱۴] کاتوزیان، ناصر، درسهایی از عقود معین، ج ۲۰، گنج دانش، تهران، ۱۳۹۰.
- [۱۵] لطفی، اسدالله، عقد وکالت، سلسله مباحث فقهی حقوقی عقد وکالت، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۲.
- [۱۶] بیدرام، شیرین، مقاله مسؤلیت مدنی و کیل دادگستری در حقوق ایران، ۱۳۹۲، www.isfahanbar.org
- [۱۷] سامی، عبدالله، مقاله تخلفات انتظامی و کیل دادگستری، 1393، www.vokalayeazadandish.com
- [۱۸] قاسم زاده، مرتضی، مقاله وکالت بدون فسخ، مجله دیدگاههای حقوقی، ۱۳۸۵، www.vekalat.org تاریخ رؤیت: ۱۳۹۴/۹/۱۲
- [۱۹] السنهوری، عبدالرزاق، الوسیط، ج ۷، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۴ م.
- [۲۰] مغنیه، محمدجواد، فقه الامام الجعفر الصادق، ج ۴، دارالجواد، بیروت، ۱۴۰۲.
- [۲۱] ماده ۲۷ قانون وکالت و ماده ۴۱ قانون آوین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی
- [۲۲] ماده ۲۹ قانون وکالت
- [۲۳] ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت